



حسابداری به مثابه دین و مذهب

دکتر قدرت‌اله طالب نیا^۱

دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

پیام نوری دوآبی^۲ ©

دانشجوی دکتری حسابداری واحد علوم تحقیقات

(تاریخ دریافت: ۲۴ آبان ۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۲ اسفند ۱۴۰۰)

دین و ایمان همواره در تمامی اعصار به عنوان پشتوانه‌ی اخلاق، صداقت، عدالت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی در تمام جوامع و ملل دنیا، تعیین و تبیین‌کننده‌ی ایدئولوژی، جهان‌بینی، اعمال و رفتار بشر در همه‌ی سطوح و الگوهای زندگی بوده است. ضرورت و هدف زندگی و نیاز آدمی به تعالی و رسیدن به تکامل و خود عالی انسان موجب شده تا دین و مذهب به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان فرهنگی و سبک زندگی، تعیین‌کننده‌ی قوانین، اصول، چارچوب‌ها و خط مشی‌های بشر در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی گردد. در این رابطه، حسابداری به عنوان دانشی از این حوزه، که متأثر از محیط و فرهنگ پیرامون است، چندان مورد اقبال پژوهشگران واقع نشده. لذا این پژوهش با هدف شناخت و درک فلسفه و ماهیت حسابداری با استفاده از رویکرد توصیفی و بر اساس روش استنادی و کتابخانه‌ای، و با نگاهی به دین و جایگاه آن، به تبیین حسابداری به مثابه دین و مذهب می‌پردازد؛ و نشان می‌دهد که حسابداری از چشمه‌ی باورهای دینی و مذهبی و جهان‌بینی‌های مادی و معنوی سرچشمه گرفته؛ و به عنوان یک حرفه که دارای آیین رفتار حرفه‌ایست، بر اساس ارزش‌ها و باورها و با هدف خدمت و پاسخگویی به جامعه در راستای نعمت و قوه‌ی خدا دادی تفکر، اراده و اختیار با به ثبت رسانیدن و مستندسازی اعمال و رویدادها در جهت کمک به انتخاب و تصمیم‌گیری صحیح آدمی، به منصف ظهور رسیده است.

واژه‌های کلیدی: حسابداری، دین، مذهب، حسابداری دینی.

¹ gh_talebniya@yahoo.com

² payam.noori59@yahoo.com

مقدمه

بررسی نقش عقاید، ارزش‌ها و دستورات مذهبی، روش‌ها، و ساختارهای اجتماعی منبعث از آن‌ها، به عنوان عواملی مثبت در فرایند توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع، از جمله مباحث کلاسیک، حساس و در عین حال جنجال برانگیزی است [۱۸]. با این حال، تقاطع دین و تجارت یکی از مباحث [مناطق] بزرگ ثبت نشده در علوم اجتماعی است [۲۷].

در دنیایی که قلب مصنوعی را بجای قلب طبیعی انسان می‌گذارند، در دنیایی که قلب انسان مرده را بر می‌دارند و بجای قلب افرادی چون «واشکالنسکی»‌ها می‌گذارند و بیمار بر اثر این جراحی معجزه‌آسا حیات مجدد خود را بدست می‌آورد؛ در دنیایی که حتی برخی از انواع سرطان (مانند سرطان خون) درمان می‌شود و بالاخره در دنیایی که نقشه‌ی تسخیر ماه و کرات دیگر آسمانی، در دست تهیه است، پس چه جای این حرف‌ها و بحث‌هاست؟! مگر نه اینکه دنیای کمونیست، با اعلام: "دین، افیون توده‌هاست" خط نسخ بر روی تمام مذاهب کشیده است و در عین حال دو اسبه، بسوی ترقی و تکامل پیشروی می‌کند؟! آری [۵]. اما واقعاً این نهایت علم و دانش است؟! در حالی که هر روز شاهد پیشرفت‌ها و اکتشافات جدیدی از ابعاد مختلف موضوعات و مباحث هستیم و لایه‌ها و جنبه‌های فراوانی هنوز ناشناخته باقی مانده است. هر از چند گاهی قوانین علمی، اجتماعی و حرفه‌ای دستخوش تغییر شده و به سمت هر چه بهتر شدن پیش می‌روند. اما باز هم کاستی‌ها، نواقص و اشکالاتی احساس می‌شود.

گفته راسل نیز این موضوع را تأیید می‌کند: حالت علمی ذهن، دوراندیش، آزمایشی و تکه پاره است. و تصور نمی‌کند که به حقیقت کامل پی برده است و حتی گمان نمی‌برد که بهترین دانسته‌هایش حقیقت کامل است. می‌دانند که هر نظریه‌ای دیر یا زود نیاز به اصلاح خواهند داشت [۹]. کانت نیز عنوان می‌کند: روان آدمی هرگاه به جذب و حفظ مفاهیم نو بپردازد، کار آن علم و شناخت است؛ هرگاه به ابداع و ایجاد بپردازد، کار آن صناعت (هنر و صنعت) است و هرگاه به کاستی‌ها و نقص‌های خود در مقابل یک موجود فرضاً متعالی توجه کند، کار آن دین‌باوری است. لذا می‌توان گفت دین عبارت است از: نقص آگاهی یا درک کاستی‌ها و نقص‌های روحی و روانی انسان. چنین آگاهی و احساسی، هم می‌تواند به صورت اندیشه‌های توحیدی (ادیان ابراهیمی) بروز کند و هم به صورت توجه به خدایان متعدد (شرک) و هم به صورت صرف احساس خلاء روحی بدون توجه به «خدا» (دین بودا) [۱۷]. ایان باربور در این خصوص در کتاب «علم و دین» عنوان می‌کند: هر یک از این دو (علم و دین) باید تمامیت و یگانگی آن دیگری را محترم شمارد و در قبال وسوسه‌ی تحمیل مقولات فکری خاص خویش بر دیگری مقاومت ورزد. هم از آن روی که مسایل علم و دین در گذشته با هم خلط شده‌اند، نخستین وظیفه ما در این راه، تنقیح مناط آنهاست. فقط در این صورت می‌توان کوشش‌های تازه‌ای در ارائه سنتزی از آن دو، بدون تحریف در شایستگی و یگانگی هر یک به خرج داد [۳].

بنابراین، تفاسیر و تعبیر جدیدی که از اوایل قرن شانزدهم میلادی به این سو، توسط رهبران اصلاح‌طلب مذهب پروتستان در چند کشور اروپایی از طبیعت انسان و وظیفه وی نسبت به خود و جامعه و خداوند، ارائه شد، بستر فکری، اعتقادی و فلسفی مناسبی را برای تحرک مادی جامعه و دستیابی به آنچه که امروز

توسعه اقتصادی نامیده می‌شود، به وجود آورد. از آن پس، کار و تلاش وجه و محتوای دینی یافت و شایسته پاداش اخروی نیز شد. این اصلاحات، هنگامی که با تغییراتی عمیق و جامع در بنیان نگرش‌ها و رفتارها و دگرگونی‌هایی در ساختارهای اجتماعی زمان همراه شد، حرکت جامعه و ارتباطات مردم با یکدیگر را بر پایه‌هایی اصولی و عقلانی استوار ساخت و به مرور زمان مردم را به سوی تفوق مادی و تأمین معیشتی همراه با سطح رفاه بالاتری رهنمون شد [۱۸].

کمی کنکاش در تفاسیر و تعاریف این مذاهب از طبیعت انسان، اصالت عمل فرد و برخورد با عوامل کار، سرمایه، مصرف، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، تولید، تجارت، مالکیت، آزادی عمل و تعهدات اجتماعی و غیره مؤید این واقعیت است که در این مذاهب نیز مؤلفه‌های فراوانی وجود دارند که انسان را به کار و تلاش و امید به زندگی و آینده‌ای بهتر و غنی‌تر، ترغیب می‌کنند [۱۸]. لذا یکی از عوامل اصلی فرهنگی، دین می‌باشد؛ که با پرورش نگرش‌های اخلاقی، ارزش‌های معینی را در اصول اساسی قرار داده که برای اقدامات فردی و بر استانداردهای قابل اجرا در جامعه تأثیر می‌گذارند [۳۰] و در این میان، حسابداری به عنوان یکی ابعاد بدیهی اقتصادی، اجتماعی، و نیازمندی استفاده‌کنندگان، همواره متأثر از محیط پیرامون و فرهنگ‌های غالب و به طور اخص دین و اخلاقیات جلوه نموده است. بیشتر مطالعات، حسابداری را از بُعد ویژگی‌ها و مولفه‌های دینی تاثیرگذار بر آن مورد بررسی قرار داده‌اند؛ لذا، از آنجایی که تا بحال، آن طور که باید و شاید به این موضوع پرداخته نشده، در این پژوهش برآنیم تا از منظر دین و با نگاهی به دین و جایگاه آن، موضوع حسابداری را به مثابه دین و مذهب را بازنمایانیم.

پیشینه تحقیق

تأثیر عوامل فرهنگی بر اقتصاد و همچنین در زمینه‌های خاص آن از جمله حسابداری ابتدا توسط مولر (۱۹۶۷)، هافستد (۱۹۸۰، ۱۹۸۴) و سپس توسط گری (۱۹۸۸) مورد مطالعه قرار گرفته است [۳۰]. همچنین، وبر از جمله اولین کسانی بود که به ارتباط بین تعالیم مذهبی پروتستان و پیشرفت‌های مادی جوامع پروتستان پی‌برد. وی نتایج تحقیقات خود را در سال ۱۹۰۴ میلادی، در کتابی بنام اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری منتشر کرد. سپس تاوونی در سال ۱۹۲۶ کتاب مشابهی در همین زمینه نوشت. وبر می‌نویسد، علت این که نظام سرمایه‌داری ابتدا در قرن شانزدهم میلادی پدیدار شد این است که در اوایل همان قرن، مارتین لوتر (۱۵۴۶-۱۴۸۳ میلادی) روحانی آلمانی بر ضد بعضی از معتقدات، آموزه‌ها و روش‌های معمول کلیسای کاتولیک شورید و با حرکت اصلاح‌طلبی مذهبی خود، به تدریج بستر فکری و فلسفی مناسبی را برای فراگیر کردن آنچه که امروزه «روح سرمایه‌داری» نامیده می‌شود، آماده ساخت. در اثر تعالیم لوتر و پس از وی کالوین، زشتی و کراهتی که تا آن زمان همواره با خواستن و بدست آوردن و داشتن مال و ثروت در وجدان مردم جا گرفته بود کم کم به صفاتی پسندیده و عالی مبدل شد [۱۸].

با این وجود، تحقیقات در مورد رابطه دین و حسابداری بسیار اندک است [۲۶]. یک دهه پیش نیز، در معرفی یک ژورنال ویژه در مورد این موضوع، کارمونا و ازامل (۲۰۰۶)، خاطر نشان کردند که "علی‌رغم نفوذ این نهادها در جامعه، تحقیق در مورد رابطه حسابداری و دین یا نهادهای مذهبی بسیار ناچیز است".

به عنوان مثال، در بررسی فلیسچمن و رادسلیفس (۲۰۰۵)، از تحولات مهم تاریخ حسابداری در طول دهه ۱۹۹۰، هیچ مطالعه‌ای در مورد دین ذکر نشده است؛ و بنوس سانچز ماتمورز و گوتیرز هیدالگو (۲۰۱۰)، تخمین می‌زنند که در دوره زمانی سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۸، فقط سه درصد از مقالات منتشر شده در مجلات اصلی تاریخچه حسابداری در بخش مذهبی بوده‌اند. مک‌فیل، گورینج و گری (۲۰۰۴)، در یادداشتی به برخی نگرانی‌ها مبنی بر اینکه آکادمی حسابداری، دین و کلام را جدی نگرفته است، می‌پردازد. واکر (۲۰۰۶)، افزایش علاقه در تقاطع بین حسابداری و دین در زمینه‌های تاریخی را یادآوری می‌کند. زید (۲۰۰۴) استدلال می‌کند که حسابداری از نخستین روزهای جامعه مسلمانان (۶۲۴ میلادی) برای محاسبه زکات یا عوارض شرعی مورد نیاز قرآن، مورد نیاز بود. همچنین مثال‌های دیگری از حسابداری در دولت اسلامی ارائه می‌دهد، که فرض می‌کند بر حسابداری اولیه ایتالیا تأثیر داشته باشد. کوآترون (۲۰۰۴) موافق است که کارهای حسابداری اولیه ایتالیا "توسط موارد متعدد معنوی و مذهبی پایه‌ریزی می‌شد"، که به طور بالقوه کسانی از دیگر ادیان را شامل می‌شد. هونگ (۲۰۱۴) در رساله‌ی دکتری خود، بیشتر به توسعه حسابداری صومعه بودایی (از قرن پنجم تا نهم میلادی) در چین می‌پردازد، که باعث تقویت نظم رهبانیت، مدیریت مالی و اداری می‌شود و امکان پاسخگویی به دولت و اهداکنندگان را فراهم می‌کند [۲۹]. بادشا، ملمویک و تیموشیکو (۲۰۱۳)، با نگاهی اجتماعی و الگویی فلسفی به توصیف و تحلیل نقش دین (اسلام) در توسعه حسابداری در دولت مرکزی جمهوری اسلامی پاکستان پرداخته است. کوردری (۲۰۱۵)، مروری بر مطالعات و متدولوژی تحقیقات در خصوص دین در حسابداری دارد و به بررسی مشارکت سه دهه، در موضوعات تاریخچه حسابداری و دین می‌پردازد. چرنی (۲۰۱۸)، تأثیر اصول دینی در ادیان مسیحیت، اسلام و کنفوسیوس در شکل‌گیری سیستم حسابداری را مورد بررسی قرار داد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که مدل انگلیسی-آمریکایی به استثنای استانداردهای اخلاقی، کمترین ارتباط را با اصول دینی دارد؛ و حسابداری با آموزه‌های دینی و فلسفی کشورهای آسیایی ارتباط نزدیک دارد و قوی‌ترین تأثیر، متعلق به حسابداری اسلامی است. بچورنسن، دو و عمر (۲۰۱۹)، تأثیر دینداری (قدرت دین) در سطح کشورها چن، هوانگ، لوبو و وانگ را بر ویژگی مهم گزارشگری مالی یعنی محافظه‌کاری در حسابداری را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاکی از آن است که مدیران جوامع مذهبی، محافظه‌کاری بیشتری در گزارشگری مالی نشان می‌دهند. این ارتباط مثبت در کشورهای پیرو IFRS یا GAAP ایالات متحده قوی‌تر و در کشورهایی با درجه بالایی اجتناب از عدم اطمینان، اجرای قانون شدید و کشورهایی که در آنجا بیشتر به دین اهمیت می‌دهند، ضعیف‌تر است. کانو و مورینو (۲۰۲۰)، به بررسی تأثیر دین‌داری بر ویژگی‌های افشای گزارشات مالی سالانه می‌پردازد. نتیجه حاکی از آن است که شرکت‌ها مستقر در مناطق مذهبی‌تر، گزارشات مالی از افشا و کیفیت بالاتری برخوردار هستند؛ و دینداری تأثیر مستقیم بر افشای اطلاعات دارد.

مفهوم دین

دین از الفاظی است که بسیار بر زبان‌ها جاری می‌شود و معمولاً به کسی دیندار گفته می‌شود که خدایی برای جهان اثبات کند و برای خشنودی او اعمال مخصوصی را انجام دهد [۲۰]. دین در نتیجه‌ی پیوندی

که میان زندگی اجتماعی انسان و پرستش خدای متعال داده است در همه‌ی اعمال فردی و اجتماعی برای انسان مسئولیت‌خداایی ایجاد کرده و انسان را در همه‌ی حرکات و سکنات خود مسئول خدای متعال می‌داند [همان]. بر این اساس، دین یک نهاد مهم اجتماعی است که ارزش‌های اجتماعی و رفتار انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد [۲۸]. دین از یک منظر، به معنای مجموع آموزه‌های اعتقادی و عملی است که از آنها به عقاید و احکام و اخلاق تعبیر می‌شود. احکام و اخلاق به عمل انسان‌ها نظر دارند و عقاید امری‌اند که هدف اصلی در آنها معرفت و اعتقاد است. البته مراد از عمل در اینجا معنای خاص آن است که عبارت است از عمل اعضای ظاهری. عمل معنای عامی هم دارد که شامل افعال و اعمال قلبی انسان نیز می‌شود. بنابراین در نگاهی دیگر معرفت و اعتقاد را می‌توان عمل قلب شمرد [۶]. دین فطری است و آدمی به حکم طبیعت و سرشت خدادادی خود دین می‌خواهد [۲۰]. دین مجموعه‌ی امری است که در ارتباط با خدای تعالی است [۶]. دین از منظری دیگر، به معنای مجموعه‌ی از گزاره‌های اعتقادی و عملی است. اعتقادات نیز در حقیقت، عمل قلب آن دو چون قلب سَمَت فرماندهی نسبت به اعتضای دیگر دارد، عمل قلبی نیز نسبت به عمل بدنی ارزش بیشتری دارد [۶].

دین اصول و قواعد را مشخص می‌سازد و تطبیق موارد با اصول را به انسان‌ها واگذار می‌نماید و بدین ترتیب میدان را برای تجربه و تفحص علمی و نیز بحث و نظر فلسفی و کلانی را باز می‌گذارد تا بشر بتواند بنا بر آن فلسفه‌ی لازم را ارائه نماید و از روش‌ها و شیوه‌های علمی که دستاورد بشر است به منظور کاربرد بهتر آن اصول و قواعد بهره‌گیرد و اینگونه است که علم و فلسفه در خدمت دین قرار می‌گیرد. در این میان آنچه تعیین‌کننده است و مشخص می‌کند که کدام روش علمی را می‌توان برگزید، همانا معیارها و اصول و قواعد اسلامی در آن بعد خاص از فعالیت‌های بشری است [۲۱].

جایگاه دین و دین‌داری

ممکن است برخی تصور کنند که در حال حاضر که تمدن بشری به اوج خود رسیده است چراکه هر روز شاهد پیشرفت‌های عظیم و شگفت‌هستیم [۵]. اما برجسته‌ترین رویکرد این عصر برگشت به مذهب با عذر و بهانه‌های مختلف است [۲]. مذهب همگام با پیشرفت و تکامل تمدن همواره رو به تکامل رفته و از کثرت به وحدت گراییده است [۵].

تحقیق در باب دین در روش جدید علمی (متدولوژی جدید) به عنوان تحقیق در بخشی از علوم انسانی تلقی می‌گردد. با قطع نظر از شرایط تاریخی پیدایش تعبیر «علوم انسانی» می‌توان به تقدم این علوم نسبت به علوم طبیعی قائل بود. آنچه امروز علوم انسانی نامیده می‌شود در یونان توسط سوفسطائیان تأسیس شد و سقراط در مخالفت با مبانی سوفسطائی این علوم، شرایط شکل‌گیری فلسفه‌های افلاطون و ارسطو را فراهم کرد. تحقیق در باب اقتصاد، حقوق، سیاست، اخلاق، دین، اسطوره، زبان و غیره نه فقط حجم کلانی از نوشته‌های افلاطون و ارسطو را به خود اختصاص داده است بلکه تحت عنوان عام «فلسفه‌ی اخلاق» عمود خیمه‌ی این فلسفه‌ها را تشکیل می‌دهد. با پیدایش مسیحیت در تاریخ (و شش قرن پس از آن، اسلام) اندیشه‌ی دین تقریباً رکن اساسی علوم انسانی قرار گرفت و اقتصاد، حقوق، سیاست و غیره از موضع و منظر دین مورد بحث و توجه قرار گرفت. با شکل‌گیری مسیحیت آنچه در اصطلاح تاریخی،

قرون وسطی نامیده می‌شود آغاز شد و اندیشه‌ی دینی یا دقیق‌تر بگوییم باور دینی با عنوان خدامحوری در مرکز علوم انسانی قرار گرفت. اندیشه‌ی کلامی متفکران قرون وسطی اعم از مسیحی و اسلامی همه صرف این شد که بنیاد الهی رفتارهای فرهنگی انسان را در شقوق مختلف اخلاق، دین، سیاست، حقوق و ... بیان کنند [۱۷].

در اروپای قرون وسطی، مداخله گسترده و پدروگونه مذهب کاتولیک در همه امور افراد جامعه، باعث تمرکز قدرت و ثروت در کلیسا و در دستان نجیب‌زادگان مذهبی گشته بود [۸]. براین اساس، هرچند گزینه خواستن و میل به تحصیل ثروت همیشه در طبیعت انسان و در همه جا موجود بوده است. لیکن تا آن زمان تعالیم دینی و دستورات مذهبی کلیسای کاتولیک و پدران روحانی و کشیشان، که حافظ شریعت مسیح در سرتا سر اروپا بودند، مانع از کسب منفعت و تکاثر طلبی در ثروت - که از مصادیق بارز سرمایه‌داری هستند - می‌شد. چراکه کلیسا معتقد بود که ثروت طلبی و مال اندوزی ناشی از حرص و آز است و این صفات از جمله صفات نکوهیده و ناپسند انسانی است؛ حرص و آز را باید نابود کرد و خواستن را در مؤمنین سرکوب نمود [۱۸]. بنابر همین موضوع، مخالفت با انباشت ثروت مکرراً به عنوان یک مانع کاتولیک برای توسعه سرمایه‌داری ذکر شده است و این مساله کاملاً در انجیل لوقا نیز مشهود است. از همین رو در قرون وسطی خدمت و انجام وظیفه به جای انباشت ثروت، نگرانی اصلی مسیحیان بود، به طوری که آکوئیناس، فیلسوف و خدانشناس کاتولیک عقیده داشت: "ثروتمند اگر صدقه و خیرات ندهد، دزد است". بر این اساس، در قرن شانزدهم، اصول مذهب کاتولیک از درون و برون تحت فشار قرار گرفت. از درون، دورویی اقتصاد کلیسا و روحانیون کاتولیک آشکار شد (مثلاً در حالی که بهره گرفتن در ازای وام دادن پول، حرام و ممنوع بود بسیاری از روحانیون این کار را انجام می‌دادند). از طرفی با انقلاب کبیر فرانسه، جهان‌بینی قرون وسطی از بین رفت و مالکیت خصوصی به رسمیت شناخته شد. انقلاب کشاورزی انگلستان هم انحطاط اخلاق کاتولیک را سرعت بخشید [۸]. فلسفه و نهاد مذهبی «رهبانیت» در مسیحیت کاتولیک، که عملاً بخشی از نیروی انسانی را به گوشه‌گیری فراخوانده بود، از جانب اصلاح طلبان پروتستان نفی و کنار گذاشته شد. انجلیل مقدس را که تا آن زمان به زبان لاتین بود و منحصرأ توسط روحانیت کاتولیک خوانده و تفسیر میشد، به زبان آلمانی ترجمه کردند و در دسترس همگان قرار دادند. فروش بهشت به مردم و وساطت و شفاعت کلیسا، که به «اغماض» مرسوم بود، ملغی شد و جای آن را این باور گرفت که هر کس در برابر خداوند رأساً مسئول اعمال خویش است. مهم‌تر از همه اینکه، صفاتی نظیر «آز و طمع» که تا آن زمان ناپسند و نکوهیده تلقی میشد، در زمره صفات نیکوی انسانی قرار گرفت. با این اصلاحات و تفاسیر جدید، نیروها و امکانات بیکار و عقیم جامعه آزاد شدند و به حرکت درآمدند و به تلاش و کوشش پرداختند [۱۸]. گسترش سیاست بازرگانی (مرکانتالیسم) و سرمایه‌داری (کاپیتالیسم) موجب افزایش چشمگیر وابستگی‌های مادی و دنیوی شد. بدین ترتیب جامعه اروپا با یک چرخش ایدئولوژیک، به جای روابط سنتی گذشته، پذیرای یک قانون مکانیکی گردید که صرفاً متکی بر حقوق فردی بود و هیچگونه ادعای اخلاقی هم نداشت [۸]. هر چند با توجه به دیدگاه جدید لوتر این موضوع خود قابل تأمل و جنبه‌ای از دین‌داری است [نگارندگان]. وی دیدگاه جدیدی بنام «رسالت» را به پیروان خود معرفی

کرد. معتقد بود، هر کس در زندگی از طرف خداوند رسالتی دارد و انجام شایسته آن رسالت، برای هر کس در هر مقامی که هست و هر شغل و حرفه‌ای که دارد، یک وظیفه الهی است. رسالت وظیفه‌ای است که خداوند بر هریک از بندگان خود از قبل مقدر فرموده است. پس انجام شایسته و به نحو احسن هر کاری یک وظیفه مذهبی است. هر کس باید با مراجعه به وجدان خود «رسالت» خود را شناسایی کند و وظیفه خود را، در امور دنیوی و معیشتی، به بهترین وجهی انجام دهد. پس کار کردن جهت تأمین معاش همان انجام وظیفه، و یا در واقع عبادت کردن است. کار کردن انسان را از هرگونه انحراف اجتماعی نجات می‌دهد. کار کردن، سخت کوشیدن و فعالیت فردی موجب خشنودی و رضایت خداوند می‌شود. بدین ترتیب در آیین پروتستان و اخلاق اجتماعی آن گوشه‌گیری، فراغت و نفی زندگی کردن کاتولیسمی، جای خود را با کار و کوشش و فعالیت مادی پروتستانی عوض کرد و ریاضت کشیدن در امور دینی به ریاضت کشیدن در امور دنیوی مبدل شد [۱۸].

با این وجود، در نظریه پردازی انتقادی، غالباً مذهب به صورت منفی به عنوان تهدیدی برای علامت اجتماعی و آزادی محسوب می‌شود. متفکران مهمی مانند هورخیمر و ادورن معتقدند که مذهب غالباً توسط سرآمدان به کار گرفته می‌شود تا به اهدافشان برسند و ثروشان را زیاد کنند. با این وجود، تعدادی از متفکران استدلال کرده‌اند که بعضی از ارزش‌های اصلی مذهب، از بنیادگرایی و فساد به دور هستند و جنبه‌های رهایی بخشی را ایجاد می‌کنند که اگر به کار گرفته شوند، ممکن است به طور مؤثری عدالت اجتماعی را توزیع کنند. به عنوان مثال زیبک بیان می‌کند که هسته‌ی واقعی مسیحیت ارتباط مهمی با مارکسیسم دارد که هر دو باید برای جنگ با سرمایه‌داری، سرکوب و بی‌عدالتی متحد شوند و در برابر ماهیت سرکوب‌گرانه مذهب و در مقابل مدرن‌گرایی و روشنفکری هشدار دهند [۲]. این درحالیست که حتی در ایدئولوژی و معتقدات شرقی باستانی، دین عامل بارزی بوده است [۱۰].

در عصر جدید، که بنابر قراردادی نه چندان دقیق، از قرن هفدهم آغاز می‌شود، این اندیشه معروض نقادی واقع گردید و ماهیت علوم انسان از الوهیت به انسانیت و از خدامحوری به انسان‌محوری گرایش یافت و در یک کلام، علوم انسانی، رنگ الهی خود را از دست داد و انسانی شد [۱۷].

در قرون وسطی باور به تعالی خداوند مرزی ناپیمودنی و سدی ناگشودنی بین انسان و خدا ایجاد کرد و عالم لاهوت بکلی از عالم ناسوت متمایز شد. این تمایز، در عصر جدید تحت تأثیر رنسانس و بازگشت مغرب زمین به تفکر یونانی، دوباره برهم خورد و انسان عصر جدید دوباره دم از برابری با الوهیت زد و تدریجاً انسانیت مدرن جای الوهیت قرون وسطی را گرفت [۱۷]. لذا، ضرورت توجه به مبانی عقیدتی از آنجا ناشی می‌شود که مدیریت در هر جامعه متأثر از مبانی فکری، فلسفی و عقیدتی آن جامعه است، بطوری که می‌توان این تفاوت را در فعالیت‌های مدیران جوامع مختلف با ایدئولوژی‌ها و فرهنگ‌های گوناگون مشاهده کرد. در یک جامعه انسان‌گرا و آزاد، مدیریت بر مبنای روابط انسانی و انگیزش انسان‌ها استوار است و در یک جامعه فاشیستی و استبدادی، استثمار و اجبار، مبنای مدیریت قرار می‌گیرد [۲۱]. موضوع اقتصاد و به ویژه علم اقتصاد از آغاز زندگی بشر با او همراه بوده است؛ و تا کنون اقتصاد دین، بزرگ‌ترین اثر خود را در علوم اجتماعی داشته است. اقتصاد دینی به دنبال غیردینی کردن حوزه‌هایی از

زندگی اجتماعی به وسیله‌ی مدرنیته و همچنین آموزه‌های ضد دینی مارکسیست‌ها ظهور کرد [۱۹]. علم اقتصاد مدرن، در عالم تفکر اجتماعی غیردینی دست کم از اواخر قرن نوزدهم، مشتق از تفکر دینی و مطالعه‌ی دین گسترش یافت. عالمان الاهیات و روحانیان با این انگیزه که این موضوعات، تراوشات علوم عصر روشنگری و سنن سکولاریزم است، از آن پرهیز کردند و برخی اقتصاددانان مانند کلاسیک‌ها به طور معمول با این بهانه که علم اقتصاد هیچ کمکی نمی‌تواند به مطالعه‌ی ترجیحات کند و برخی دیگر از مارکسیست‌ها به این عقیده که دین آینده‌ای ندارد، بررسی اندیشه‌های دینی را از حوزه‌ی تفکر اقتصادی کنار گذاشتند [همان]. با این وجود، بشلر معتقد است که مذهب پاسخی در رابطه با پرسش‌های بنیادی بشر است [۴]. چنانکه امروزه یکی از شاخص‌های مهم پیشرفت جوامع بشری، میزان توسعه‌یافتگی فرهنگی آن‌هاست. به هر میزان کشوری در رشد و توسعه فرهنگی موفق باشد، به همان میزان عرصه‌های توسعه و پیشرفت را در نوردیده است. از نگاه اسلام، توسعه فرهنگی که مبتنی بر ارزش‌های دینی و اسلامی است، نقش زیربنایی و اساسی‌تری نسبت به سایر زمینه‌های توسعه ایفا می‌کند [۲۵]. همچنین، تجارب مشابهی در ارتباط با نقش ارزش‌ها و معتقدات مذهبی بودایی و شینتوئی در توسعه کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا، که در سال‌های اخیر سریع‌ترین نرخ رشد اقتصادی را در جهان بدست آورده‌اند، به ثبت رسیده است. حتی گفته می‌شود، پارسیان زرتشتی مذهب از جمله موفق‌ترین و ثروتمندترین اقلیت‌های مذهبی در شبه قاره هندوستان هستند [۱۸]. همچنین، اسلام دینی است که تنها به حوزه‌های فردی محصور نمی‌شود بلکه سیستم منسجمی برای زندگی انسان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و هر جنبه دیگر زندگی انسان عرضه می‌کند. لذا، برای همه‌ی ابعاد زندگی انسان طرح و برنامه دارد و معیارهای یک زندگی انسانی در ابعاد مختلف را برای او مشخص ساخته است. بنابراین جدایی دانش از رهنمودهای مذهبی برای مسلمانان نارواست چرا که منجر به رفتار غیراسلامی می‌شود. مسلمانان با تکیه بر معارف دین، دوران اعجاب‌آوری از اعتلا و شکوفایی را پشت سر گذاشتند و تمدنی بنا کردند که چندین قرن، مشعل‌دار تمدن بشری بوده‌اند [۱].

نفوذ دین در حسابداری

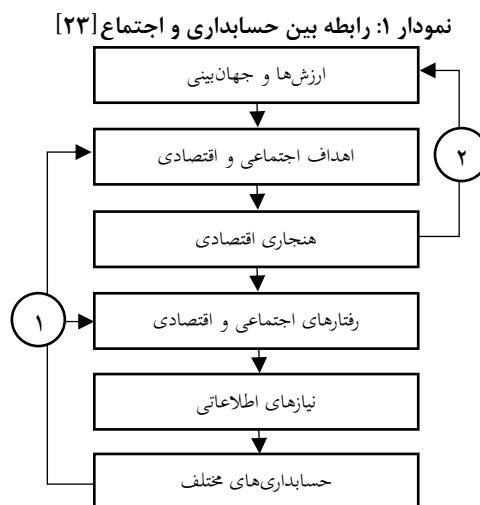
جهان‌بینی یک طرز فکر و تلقی ضمنی یا صریح مفروضاتی درباره خاستگاه جهان طبیعت و هدف زندگی بشریت است. جهان‌بینی، نوع رفتار و برخورد طبیعی بشر با سوژه‌ها را کنترل می‌کند. تفاوت در جهان‌بینی می‌تواند منجر به تفاوت در ارزش‌ها و هنجارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی شود [۲۳]. در این بین مذاهب و مکاتب دینی، اساسی‌ترین مبنای جهان‌بینی و سبک زندگی را تشکیل می‌دهند. چراکه، هر مکتب بشری یا دین آسمانی، قواعد و روش‌های خاص خود را برای اداره زندگی بشر دارد.

دین در اصطلاح قرآنی همان روش زندگی است که انسان گریزی از آن ندارد [۲۰]. لذا هر هدفی که برای زندگی معین شود، یک شیوه زندگی را برای ما ایجاد می‌کند، به بیان دیگر، سبک زندگی تابع هدف زندگی است. سبک زندگی تعیین می‌کند که به کدام جنبه‌های محیط توجه کنیم یا آن‌ها را نادیده بگیریم و چه نگرشی داشته باشیم. سبک زندگی منعکس‌کننده گرایش‌ها، تمایلات، رفتارها، عقاید و ارزش‌های یک فرد یا جامعه است و مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، عادت‌ها، نگرش‌ها، سلیقه‌ها، معیارهای

اخلاقی و سطح اقتصادی، در کنار یکدیگر طرز زندگی کردن را می‌سازند [۲۴]. بر این اساس، مذهب به عنوان یک عامل فرهنگی برجسته و بسیار مهم محسوب می‌شود که بر تمام نهادهای اجتماعی تأثیرگذار است [۲۳]. و به طور خاص، دین به عنوان عامل اصلی اعتقادات و رفتار اقتصادی افراد در نظر گرفته می‌شود که بر رفتار سازمانی تأثیر می‌گذارد [۲۸]. افراد مذهبی دارای استانداردهای اخلاقی بالاتری نسبت به افراد غیرمذهبی هستند. پاربوت، هوگل و کولن (۲۰۰۸) نیز در پژوهشی خود دریافتند که معیارهای اخلاقی با سطح دین‌داری افزایش می‌یابد [۲۷]. چراکه، دین، شکل دهنده‌ی اعمال و رفتارهای اخلاقی است. به عنوان مثال، اسلام بر عدالت، راستگویی و صداقت تأکید دارد و احتمالاً جوامعی که دارای چنین ارزش‌های هستند، اعتماد بالایی به امور مالی و بازرگانی دارند. گری (۱۹۸۸) و پررا (۱۹۸۹)، فرهنگ را تعیین‌کننده‌ی شیوه‌های حسابداری می‌دانند. هافستد (۱۹۹۷) استدلال کرده است که فرهنگ برنامه‌ریزی جمعی ذهن است که اعضای یک گروه را از گروه دیگر متمایز می‌کند و بر نحوه درک افراد از مسئولیت‌ها و انجام وظایف خود، حاکم است. بر این اساس، اگر فرهنگ بر روی شیوه‌های حسابداری تأثیر گذار است، احتمالاً دین نیز چنین باشد؛ زیرا یک عامل فرهنگی بر کلیه نهادهای اجتماعی از جمله حسابداری تأثیر قابل توجهی دارد (خصوصاً در جوامع اسلامی). بنابراین، دین بر ارزش‌های فرهنگی تأثیر می‌گذارد و حسابداری محصول این حوزه است [۲۶]. بر این اساس، دین عامل اصلی اعتقادات و نگرش‌های اقتصادی با تأثیر شدید بر اخلاق تجاری محسوب می‌شود، به ویژه هنگامی که دین یکی از عناصر برجسته در خودشناسی فرد است [۲۸]. بنابراین، از مسئله اقتصاد در مکاتب مختلف با دیدگاه‌های متفاوت مبنی بر جهان‌بینی‌های آن‌ها تفسیرهای متعددی شده است. این موضوع در مکاتب مادی به هدف زندگی فردی و اجتماعی تبدیل شده است به طوری که همه چیز را برای اقتصاد و تأمین معاش و رفاه مادی و دنیوی پیگیری میکنند. در تاریخ تکامل علم اقتصاد مکاتب مختلفی از این نگرش‌ها برای تبیین رفتارهای اقتصادی بشر ظهور یافته‌اند و پس از مدتی با پیدایش دیدگاه‌ها مکاتب جدیدتر حذف یا به حاشیه رفته‌اند [۲۴]. لذا، دین و اقتصاد، دو حوزه کاملاً نزدیک به هم هستند. از جهت تاریخی هم، ملاحظه می‌کنیم که عالمان پیشین اقتصاد از طبقه‌ی راهبان و عالمان ربانی بودند. در قرون وسطا در اروپا، علم اقتصاد سکولاریستی را کشیشان مسیحی مثل توماس اکوئیناس، اگوستین و دیگران ایجاد کردند [۱۵].

حسابداری نیز یکی از همین نهادهای تأثیر پذیر از دین است. نقش دین در توسعه حسابداری را می‌توان از طریق جهان‌بینی ساخت‌گرایانه اجتماعی بهتر تبیین کرد [۲۶]. رابطه‌ی میان جهان‌بینی، اهداف اقتصادی، ارزش‌ها و حسابداری، بر این مبنا است، که ارزش‌ها و جهان‌بینی نخستین جامعه (که ناشی از مذهب یا جنبش‌های فکری است) اهداف اجتماعی اقتصادی جامعه را تعیین می‌نمایند. جامعه، سپس به ترتیب، این قوانین و هنجارهای اقتصادی را در یک تلاش برای دستیابی به اهداف اجتماعی - اقتصادی به کار می‌گیرد [۲۳]. همچنین، از بررسی نقش کار، مصرف، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در مذهب پروتستان که در زمینه ایجاد مؤلفه‌های مثبت و اخلاقیات مفید و وجدان کاری مطلوب، در بعضی از کشورهای صنعتی موفق غرب بوده است، می‌توانیم به پیش‌نیازهای اخلاقی و ترتیبات و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی مناسب پی‌بریم [۱۸]. لذا، دین یکی از تفاوت‌های فرهنگی است که مرزهای ملی را پشت سر می‌گذارد

و تأثیر بسزایی در نحوه انجام و ثبت‌های تجاری دارد. این واقعیت که تأثیر دین بر حسابداری غالباً نادیده گرفته می‌شود، با توجه به اینکه چگونه موارد نادرست اعتقادی و حسابداری ادغام می‌شوند، تعجب‌آور نیست [۳۲]. با این وجود، حسابداری، نقش رهبری را در تهیه‌ی این اطلاعات ایفا می‌نماید. معاملات انفرادی که به منظور کنترل و هدایت سازمان صورت می‌گیرد (مانند خرید، فروش سهام، یا اخراج مدیران) بر اساس این اطلاعات صورت می‌گیرد تا بتوانند به اهداف اجتماعی و اقتصادی آن‌ها هماهنگ با ارزش‌ها و جهان‌بینی صاحبان آن، برسند [۲۳].



از همین رو، حسابداری (به عنوان یک علم)، مسیحیت و اسلام (به عنوان دو دین بزرگ الهی) و سرمایه‌داری (به عنوان یک نظام اجتماعی - اقتصادی غالب)، رابطه طولانی و پیچیده‌ای دارند [۸]. به واسطه تأثیر مذهب، دیگر سیستم‌های اعتقادی در شکل دادن به ارزش‌های فرهنگی، بررسی تأثیر مذهب بر مسائل حسابداری به عنوان یکی از موضوعات بنیادی در مطالعات حسابداری تلقی می‌شود [۲۳]. لذا، تحقیقات گذشته مستند کرده‌اند که چگونه شرکت‌های مستقر در محیط‌های مذهبی‌تر، اعمال و رفتارهای صادقانه‌تر، بی‌نظمی کمتر و سطوح بالاتر محافظه‌کاری حسابداری را از خود نشان می‌دهند. علاوه بر این، تحقیقات مک گوایر و همکاران (۲۰۱۲) و کای، لی و تانگ (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که دین با مدیریت درآمد واقعی بیشتری نیز همراه است؛ روشی که مدیران آن را کمتر دستکاری حسابداری ریسکی و اخلاقی می‌دانند. با این وجود، ادبیات گذشته‌ی گزارشگری مالی بر تأثیر دین در مدیریت سود متمرکز است که مربوط به استفاده فرصت‌طلبانه از صورت‌های مالی است [۲۸]. از همین رو، اندیشمندان، ریشه نظام سرمایه‌داری را در تحولات مسیحیت و به طور مشخص شکل‌گیری فرقه پروتستان جستجو می‌کنند. همچنین، حسابداری متداول، زبان و فرزند سرمایه‌داری خوانده شده است و به طور متقابل، برخی از صاحب‌نظران پیدایش دفترداری دوطرفه و حسابداری مدرن را عامل مهمی در توسعه نظام سرمایه‌داری کنونی معرفی می‌کنند [۸]. کارل مارکس بر این باور است که حسابداری شکلی از آگاهی غلط را دوام

می‌بخشد و ابزار یا وسیله‌ای است برای گیج کردن و به رمز درآوردن امور، ولی در جهت آشکار ساختن ماهیت واقعی روابط اجتماعی که تشکیل دهنده‌ی تلاش‌های خلاق یا مولد هستند، گامی بر نمی‌دارد. پنداشت یا تصور بر این بوده است که حسابداری یک افسانه، نماد و نوعی آداب و رسوم است که موجب خلق یا ایجاد یک نظم نمادین می‌شود و نهادهای اجتماعی می‌توانند در آن نظام، روابط متقابل برقرار کنند. در دیدگاه رایج حسابداری (به عنوان ابزار یا وسیله‌ای از عقلانیت اقتصادی و به عنوان ابزار یا وسیله‌ای در دست یک سیستم سرمایه‌داری) هر دو پنداشت متجلی می‌شوند [۱۲]. اما مقوله جهان‌بینی و هنجارها، بسته به نوع مکتب فکری - اجتماعی یا دین افراد هر جامعه از ویژگی‌های متفاوتی برخوردار می‌گردد. حسابداری کنونی، علمی است که ریشه در تفکر مدرن دارد و تابع ارزش‌های مدرنیته، همچون اصالت حس و تجربه، اصالت بشر، اصالت دانش، اصالت تحصیل، اصالت عرف، اصالت فرد، اصالت سود و ... است [۲۳]. بنابراین، یک جهان‌بینی، می‌تواند بر روی ارزش‌ها اثر بگذارد (که آن هم بر روی هنجارها موثر است) و این عینیت‌ها و تغییر در آنها، برای حسابداری، دارای کاربردهایی است. از همین رو، استانداردهای حسابداری نیز از تأثیر مذهبی مصون نیستند. به نظر می‌رسد هماهنگی حسابداری بر اساس سیستم حسابداری جهان طبق IAS که مبتنی بر استانداردهای غربی هستند نیز بیانگر این نکته باشد که سنت‌ها و ارزش‌های یهود- مسیحی ممکن است بر استانداردهای حسابداری تأثیر بگذارد، اما ممکن است سایر ادیان مانند اسلام را در بر نگیرد. به عنوان مثال اسلام. "قوانین اسلامی بر رفتار مشاغل تأثیر می‌گذارد به گونه‌ای که به طور خودکار با رویه حسابداری انگلیس و آمریکا مطابقت ندارد؛ و بسیاری از رویه‌های حسابداری غربی بر اساس فرضیاتی است که با اصول اسلام در تضاد است [۳۲]. از همین رو، در کشورهای اسلامی هنوز هم نسبت به پذیرش کامل IFRS تردیدها و ایراداتی مطرح است و بر این اساس بسیاری از مباحث را اسلام‌میزه می‌کنند. بنابراین، دین به عنوان یک عامل مؤثر بر سیستم‌های حسابداری هر کشور، با تأثیرپذیری و رعایت باورهای مذهبی می‌تواند در ساختار تجارت، تأمین مالی، تصمیم‌گیری اقتصادی منطقی و چارچوب نظری مردم اثر بگذارد [نگارندگان]. به عنوان نمونه، مسلمانان بر این باورند که داشتن بهره، بازده تضمین شده و ثابت در مقابل وام دهنده غیراخلاقی است در حالی که وام دهنده بازدهی نامطمئن و متغیر را تجربه می‌کند. بر این اساس سهام ممتاز نیز غیرقانونی است. لذا منع بهره از اسلام، پیامدهای قابل توجهی در هماهنگی استانداردهای حسابداری دارد، زیرا محاسبات بهره از اجزای اصلی بسیاری از استانداردهای غربی است. برخی از این استانداردها عبارتند از: مزایای بازنشستگی، استهلاک بدهی بلندمدت، تجدید ساختار بدهی، سود مطالبات قابل دریافت، کاهش ارزش دارایی و سرمایه اجاره [۳۲]. حسابداری در اسلام از یک سو، در دنیا به دنبال حسابداری اموال و حسابداری مباحث اعتباری یا معنوی در زندگی دنیوی است؛ و از سوی دیگر با جهت‌گیری به عقبا به احصاء عمل و نفس انسان برای فلاح در آخرت نسبت به حدود الهی است [۲۳]. کتاب مکاشفه همچنین این واقعیت را باز می‌نماید که دفاتر [اعمال] باز می‌شوند و در زمان بعد از مرگ، دفاتر باز خواهند بود و همه حساب کارهای خود را در زندگی می‌گذارند. این دفاتر [اعمال] باید مطابق با معیارهایی که خداوند وضع کرده است، به درستی نگهداری شوند. و این تأیید دیگری بر این واقعیت است که حسابداری حرفه‌ای ریشه به انتخاب

دین و خدا دارد [۳۱]. در قرآن، ۳۸ بار از کلمه حساب و مشتقات آن در رابطه با موضوع‌های گوناگون و در سوره‌های مختلف استفاده شده است [۷]. در این بین می‌توان به آیات مبارکه‌ی ۲۵ سوره آل عمران، ۳۱ الرحمن، ۴۰ نساء، ۳۸ تا ۴۰ النجم، ۲۸۱ بقره، ۴۷ انبیاء، ۳۲ فاطر در قرآن کریم اشاره کرد که صریحاً حسابرسی و حسابداری رو مورد مذاقه قرار داده است [نگارندگان]. نقش حسابداری در ارتباط با پاسخگویی در یک جامعه اسلامی محدود به محاسبات تکنیکی مالی مرسوم نیست؛ بلکه نقش او یک نقش اجتماعی بوده و حیطة مسئولیت او تا آنجایی گسترده است که از مطابق شریعت بودن فعالیت‌های تجاری و از این رو تامین رفاه عامه مردم اطمینان فراهم آورد. همچنین در بینش اسلامی مبانی روشنی برای ایجاد سیستم حسابداری محیط زیست و نظارت بر فعالیت‌های زیست محیطی می‌توان یافت [۱۳].

حسابداری به مثابه یک مذهب یا یک مکتب عقیدتی

دلایل ایجاد رویه‌های حسابخواهی و حسابداری و همچنین ریشه‌یابی آن، همواره از جمله مباحث مناقشه برانگیز در حسابداری بوده‌اند. به دلیل سیطره هژمونیک غرب اغلب القا شده که حسابخواهی و حسابداری در غرب ظهور کرده است که در این زمینه کتاب پاچیولی به نوعی دلیل بر این مدعا می‌تواند تلقی می‌شود. اما در مقابل، افرادی تلاش کرده‌اند که با ارائه شواهد و مدارک مستدل، نشان دهند که ریشه حسابخواهی و حسابداری در شرق پا گرفته است. یکی از مواردی که می‌تواند به روشن‌تر شدن ابعاد موضوع کمک نماید، بررسی شرایط محیطی است که منتج به نگارش کتاب پاچیولی شده است [۱۶]. چراکه حسابداری محصول محیط آن است [۲۶] [۱۲]؛ این موضوع همچنین توسط پرا (۱۹۸۹)، چوی و مولر (۱۹۹۲)، و نیز کارمونا و ازامل (۲۰۰۶)، مورد تأیید قرار گرفته است [۱۴]. لذا حسابداری به عنوان یک جزء از محیط اقتصادی شناخته می‌شود که با محیط در تعامل است [۲۲]. از این رو، یکی از این عوامل محیطی، موقعیت جغرافیایی ایتالیا به عنوان مرکز ثقل تبادل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی شرق و غرب است. عامل دوم که کمتر مورد توجه قرار گرفته، شخصیت خود پاچیولی به عنوان یک روحانی و مدرس کلیسا و محیط و شیوه‌های آموزش در آن زمان‌ها می‌باشد. در واقع با توجه به حاکمیت کلیسا در آن زمان و اهمیت و جایگاه مذهب در جامعه، به موضوع پیدایش حسابداری خصوصاً به شیوه فعلی، صرفاً نمی‌تواند از جنبه اقتصادی نگریست [۱۶].

از جمله عوامل مهم که رفتار انسان‌ها و در نتیجه سیاست‌ها و نحوه عمل حسابداری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اعتقادات مذهبی است. بنابراین سیستم حسابداری یک کشور می‌تواند تحت تأثیر طیفی گسترده از عوامل محیطی واقع گردد. این عوامل شامل چارچوب سیاسی و قانونی، رویکرد نسبت به مالکیت، اندازه و انعطاف‌پذیری تجاری، سطح مهارت مدیران، درجه قانون‌گریزی در تجارت، وجود قوانین خاص حسابداری، سرعت ابداعات و پیشرفت تجاری، سطح و الگوی توسعه اقتصادی و وضعیت آموزش حرفه‌ای است. هاپوود (۱۹۹۱) معتقد است حسابداری پدیده‌ای است که تحت تأثیر فرهنگ، وضعیت سازمانی و محیط تاریخی - اجتماعی قرار می‌گیرد. لذا تئوری، اهداف و نحوه عمل حسابداری در نظام‌های اقتصادی و فرهنگ‌های مختلف به گونه‌های متفاوتی می‌باشد [۱۴].

جدول شماره ۱: تفاوت‌های اساسی بین سیستم‌های حسابداری غربی و اسلامی [۳۲]

مشخصات	سیستم حسابداری غربی	سیستم حسابداری اسلامی
دیدگاه فلسفی	خردگرایی اقتصادی	وحدانیت خدا
اصول	سکولار فردگرا حداکثر سود انتخاب طبیعی روندها	دینی اشتراکی سود معقول انصاف محیط
شاخص	مبتنی بر قانون تجارت مدرن افشای محدود پاسخگویی شخصی	براساس قانون اخلاقی نشأت گرفته از قرآن افشای کامل پاسخگویی عمومی

روشن است که حسابداری مرسوم، محصول مدرنیته، و مبتنی بر ارزش‌های آن است. نتیجه آن است که این اهداف، ویژگی‌ها و پیامدهای حسابداری مرسوم، ارزش‌ها و هنجارهای مدرنیته را منعکس می‌نماید. جهان‌بینی مادی و مفاهیم مرتبط با ماتریالیسم، دمکراسی، ایندیویژوالیسم، یوتیلیتاریانیسم، لیبرالیسم و آمپریسم و سکولاریسم منجر به هنجارهای اقتصادی خاصی می‌شوند. جهان‌بینی مادی و فردگرایی، موجب برتری سود - ثروت، و حفظ احترام به حریم اموال خصوصی شده، تا حدی که شخص می‌تواند به هر شیوه‌ای، کل این اموال را از بین ببرد. ارزش‌های دمکراسی و منفعت‌گرایی، موجب حمایت از مصرف‌کننده و رقابت بازارهای آزاد بدون دخالت دولت، به عنوان یک هنجار اقتصادی مقدس می‌شود. به علاوه، سکولاریسم و تجربه‌گرایی، در نتیجه‌ی فقدان هرگونه هنجارهای اخلاقی مقدس و مذهبی در جامعه به وجود می‌آید (به جز عقایدی که برگرفته از عدالت طبیعی هستند). این هنجارهای اقتصادی اهداف و ماهیت حسابداری مرسوم را منعکس می‌نمایند [۲۳].

جدول شماره ۲: ارتباط میان جهان‌بینی، ارزش‌ها، هنجارهای اقتصادی و چارچوب حسابداری

مرسوم [۲۳]

جهان‌بینی و ارزش	هنجار اقتصاد سرمایه‌گرایی	حسابداری مرسوم	
		موضوع حساب‌داری	چارچوب حسابداری مرسوم
ماتریالیسم	برتری سود / ثروت	اهداف / عینیت	مفید بودن تصمیم‌گیری برای ذی‌نفعان، تمایل بازار سرمایه به پول بیشتر
دمکراسی	خصوصی‌سازی بازار و حذف کنترل دولت و حاکمیت مصرف‌کننده	استفاده کنندگان	بازیگران بازار و تهیه‌کنندگان مالی

حسابداری مرسوم		هنجار اقتصاد سرمایه‌گرایی	جهان‌بینی و ارزش
چارچوب حسابداری مرسوم	موضوع حسابداری		
رویدادهای اقتصادی داخلی قابل اندازه‌گذاری به پول	شناخت	حفظ حریم اموال خصوصی و اختیار مصرف نامحدود	ایندیویژولیسم
پولی / بهای تاریخی	اندازه‌گیری	مصرف‌گرایی	یوتی‌لیتاریسم
همه‌ی رویدادهای اقتصادی (مالی)	افشاء	رقابت ارزش‌های بازار	لیبرالیسم
اثبات‌گرایی بدون ارزش	عینیت / بی‌طرفی	فقدان و نفی اعتقادات دینی	سکولاریسم و امپریسم

در زمینه مذهب، حسابداری انتقادی با عقاید و ارزش‌های مذهبی و تئولوژیک به کار گرفته می‌شود، و بر آن‌ها تأکید می‌کند و به بهبود رفاه اجتماعی و انتقال این درس‌ها و ارزش‌های تأثیرگذار کمک می‌کند تا حکومت ستم‌گرانه و استثمارگر کنونی را نشان دهد و به مبارزه بطلبد. بنابراین، تنش‌های بین مذهب و نظریه‌پردازی انتقادی با آوردن دیدگاه‌ها و انرژی‌هایی از امکانات آزادی بخشی تعلیمات مذهبی، حل می‌شود [۲].

در گذشته، بر اساس دیدگاه‌های حاکم، رویه‌های حسابخواهی و حسابداری صرفاً ابزاری برای اندازه‌گیری و تخصیص منابع اقتصادی هستند که شکل‌گیری سلسله مراتب‌ها را تسهیل می‌کنند. اما در مقابل این دیدگاه‌ها، بررسی رویه‌های حسابخواهی و حسابداری در قرن ۱۶ و ۱۷ در اروپا نشان می‌دهد که دلایل دیگری نیز می‌توان مطرح کرد [۱۶]. لذا ایجاد و تغییرات بعدی حسابخواهی و حسابداری با ایدئولوژی مطلق‌گرایی، به عنوان پایه و اساس دکتترین کلیسای کاتولیک رم در زمان اصلاحات متقابل، ارتباط تنگاتنگی دارد. این ایدئولوژی یک فرآیند پیچیده و مستمر برای برقراری توازن بین دیدگاه‌های خداشناسی، مذهبی، سیاسی، سازمانی و اجتماعی بوده است. برای برقراری این توازن، وجود ساختار سلسله مراتبی انجمن و ثبت‌های حسابداری آن ضرورتی انکار ناپذیر بود. و به کمک سه سیستم حسابخواهی انجمن عیسی (حسابداری گناهان، حسابداری کالج، حسابداری برای روح) از منافع ناهمگن یک نتیجه همگن بدست می‌آمد. پروژه مطلق‌گرایی کلیسای کاتولیک رم تلاش داشت اختلافات بین این منافع ناهمگن را مرتفع کند و به یک توافق جمعی دست یابد [۱۶].

در این رویکرد، حسابداری به عنوان ابزاری برای حفظ و مشروعیت بخشیدن به نظام‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کنونی تلقی می‌شود. کارل مارکس معتقد است که حسابداری شکلی از آگاهی غلط را تداوم می‌بخشد و ابزاری است برای گیج کردن و به رمز درآوردن امور. در نتیجه در جهت آشکار ساختن ماهیت واقعیت روابط اجتماعی گامی بر نمی‌دارد. در این رویکرد، تصور بر این بوده است که حسابداری یک افسانه، نماد و نوعی آداب و رسوم است که موجب خلق یا ایجاد یک نظم نمادین می‌شود و نهادهای اجتماعی می‌توانند در آن نظام، روابط متقابل برقرار کنند. و بر حسابداری را به عنوان ابزاری یا وسیله‌ای

در دست خردگرایی یا عقلانیت اقتصادی و یا وسیله‌ای در دست یک سیستم سرمایه‌داری میدانند و می‌گویند محاسبه کمی یا حسابداری از نظر فنی امکان‌پذیر است و در دنیای واقعی می‌توان آن را بکار برد. هیل برونر نیز دیدگاه وبر را مورد تأکید قرار می‌دهد و معتقد است دیدگاه سرمایه‌داری در مرحله عمل موجب می‌شود تا واحد پول به ابزاری بخردانه برای محاسبه هزینه و سود تبدیل شود [۱۱].

نتیجه‌گیری

از دیرباز تاکنون، مکاتب بشری و ادیان آسمانی به عنوان عمیق‌ترین احساسات بشری، ایدئولوژی و جهان‌بینی بشر را شکل داده و با وضع الگوها، قواعد و روش‌های خاص خود، سبک زندگی آدمی را تحت تأثیر و کنترل قرار داده‌اند. مؤلفه‌های بنیادین اعتقادی در غالب ادیان منبعث از دو بعد مادی (ظاهری) و معنوی (باطنی) است که جنبه‌های مختلف فلسفی خود را (همچون: خداوند، هدف خلقت، دلیل زندگی، آخرت، و...) دلیل و برهانی بر نوع اصول، ارکان، و هنجارها در رفتار و عمل پیروانشان می‌باشد؛ چنانکه خدا محوری، انسان‌مداری، مردم‌سالاری، مادی (دنیا)‌گرایی، منفعت‌طلبی، سرمایه‌داری، و منافع عمومی رویکردها و مکاتب نشأت گرفته از باورها و اعتقادات هر جامعه‌ای است.

این باورها و ارزش‌های مذهبی به عنوان بُعد جدایی‌ناپذیر فرهنگ هر جامعه توانسته‌اند در ابعاد مختلف اندیشه، رفتار، و عمل افراد- با مدیریتی فراگیر- اداره زندگی را به استخدام درآورند. لذا، ضرورت توجه به مبانی عقیدتی ناشی آن است که مدیریت در هر جامعه متأثر از مبانی فکری فلسفی و عقیدتی آن جامعه است؛ به طوری که مدیریت و راهبری در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی متأثر از مبانی فکری، فلسفی و عقیدتی آن جامعه می‌باشد.

دانش و عمل حسابداری به عنوان نهادی متأثر از محیط پیرامون و فرهنگ جامعه، غالباً متأثر از دین و اعتقادات است. چنانکه اخلاق، انصاف، عدالت، صداقت، مالکیت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، اعتباردهی، استقلال، رفتار حرفه‌ای، کمک به تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان به عنوان اصول و ویژگی‌های زیربنایی رفتار و عمل حسابداری و حسابرسی تعبیه شده است که همگی جزئی از مؤلفه‌های دینی و اعتقادی هستند. مضافاً حسابداری و حسابرسی فلسفی در سلسله مراتب محوری خداوند، ملائکه، امامان، جامعه، و وجدان در ابعاد الهی، همگانی، درونی، و مدیریتی توانسته است در هر دوره و عصری به فراخور ظرف وجودی و مقبولیت، لایه‌هایی از این مجموعه را با توجه به اصول دینی، مبانی ایدئولوژی و عمل حسابداری و حسابرسی قرار دهد. بر این اساس، سیر تاریخی تغییر و تحول این علم در کنار تفاوت‌ها و شباهت‌های ظاهری و محتوایی در قوانین، رفتار، رویه، اصول و استانداردهای مربوطه در تئوری و عمل حسابداری و حسابرسی در هر محدوده دینی، نمایانگر آن است که حسابداری را می‌توان به مثابه دین و مذهب دانست.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، مهرنوش؛ محسنی دهکلانی، نرگس. (۱۳۹۳). "نقش حسابداری اسلامی در کاهش فقر"، همایش بین‌المللی مدیریت، تهران.

۲. اسپوکه، جلال. (۱۳۹۴). "اهداف، ویژگی‌ها و دیدگاه‌های انتقادی در حسابداری اسلامی"، کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، ساری.
۳. باربور، ایان. (۱۳۷۹). **علم و دین**. ترجمه‌ی بهاء‌الدین خرمشاهی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۴. بشلر، ژان. (۱۳۷۰). **ایدئولوژی چیست؟ نقدی بر ایدئولوژی‌های غربی**، مترجم علی اسدی، نشر شرکت سهامی انتشار.
۵. بهشتی، احمد. (۱۳۴۶). "انسان و مذهب: نقش مذهب"، **معارف جعفری**، شماره ۸.
۶. بیابانی اسکویی، محمد. (۱۳۹۱). **توحید و اسماء و صفات**، انتشارات نبأ، تهران.
۷. حجازی، رضوان؛ فرج‌زاده، علی اصغر؛ کنعانی، اکبر. (۱۳۹۶). "بررسی آیین رفتار حرفه‌ای حسابرسان از دیدگاه قرآن"، **فصلنامه مطالعات حسابداری و حسابرسی**، شماره بیست و دوم.
۸. دری سده، مصطفی. (۱۳۹۱). "مثلث حسابداری، دین سرمایه‌داری؛ بررسی تعامل‌ها و تقابل‌ها"، نخستین همایش ملی حسابداری ارزشی، دانشگاه علوم اقتصادی.
۹. راسل، برتراند. (۱۹۹۳). **نبرد دین با علم**، مترجمان علی اصغر مهاجر و احمد ایرانی، لس آنجلس.
۱۰. رضایی، عبدالعظیم. (۱۳۷۸). **تاریخ ده هزار ساله ایران**، انتشارات دُر، جلد اول، تهران.
۱۱. رهنمای رودپشتی، فریدون؛ صالحی، اله‌کرم. (۱۳۸۹). **مکاتب و تئوری‌های مالی و حسابداری**، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.
۱۲. ریاحی بلکویی، احمد. (۱۳۹۱). **تئوری‌های حسابداری**، ترجمه علی پارسائیان، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
۱۳. ساری، محمدعلی. (۱۳۹۳). "اسلام و حسابداری محیط زیست"، **دانش و پژوهش حسابداری**، شماره ۳۷.
۱۴. عرب مازار یزدی، محمد و همکاران. (۱۳۹۱). "حسابداری در زمینه محاسبه خمس"، نخستین همایش ملی حسابداری ارزشی، دانشگاه علوم اقتصادی.
۱۵. قحف، منذر. (۱۳۸۴). "دین و اقتصاد: نظام اقتصاد اسلامی و علم تحلیل اقتصاد اسلامی"، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، سال پنجم
۱۶. قواترن، پائولو. (۱۳۹۴). **حسابداری برای خدا**، ترجمه کامبیز فرقاندوست و محمدعلی نصر، انتشارات ترمه، تهران.
۱۷. کانت، ایمانوئل. (۱۳۸۰). **دین در محدوده عقل تنها**، ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی، نشر نقش و نگار، تهران.
۱۸. کرباسیان، اکبر. (۱۳۷۵). "نقش مذهب در روند توسعه اقتصادی"، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۶۸.

۱۹. گیلک حکیم آبادی، محمد تقی. (۱۳۸۱). "اقتصاد دینی و اقتصاد دین"، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۸.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمد حسین. (۱۳۶۲). آموزش دین با تعالیم اسلام، نشر جهان آرا.
۲۱. معصومی، حسین. (۱۳۸۸). نظارت و کنترل از دیدگاه اسلام، نشر سروش هدایت.
۲۲. مهران، ساسان؛ کرمی، غلامرضا؛ سیدحسینی، سیدمصطفی. (۱۳۹۲). تئوری حسابداری، جلد اول، انتشارات نگاه دانش، تهران
۲۳. نجفی، ابراهیم. (۱۳۹۱). "درآمدی بر دکترین حسابداری اسلامی"، نخستین همایش ملی حسابداری ارزشی، دانشگاه علوم اقتصادی.
۲۴. نوری دوآبی، پیام؛ صدری‌نیا، محمد. (۱۳۹۵). "حسابداری و حسابرسی لازمه تحقق اقتصاد مقاومتی". اولین کنفرانس بین‌المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در مدیریت، حسابداری و اقتصاد، دانشگاه صنعتی امیر کبیر.
۲۵. نوری دوآبی، پیام؛ صدری‌نیا، محمد. (۱۳۹۶). "مروری بر ضرورت حسابداری و حسابرسی موقوفات و بقاع متبرکه". کنفرانس بین‌المللی رویکردهای پژوهشی در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی، نروژ-اسلو.
26. Badshah, Intiaz; Mellemlvik, Frode; and Timoshenko, Konstantin. (2013). "Accounting from a Religious Perspective: A Case of the Central Government Accounting in Islamic Republic of Pakistan". **Asian Economic and Financial Review**, No 3 (2).
27. Bjornsen, Maat, Do, Chuong, & Omer, Thomas. C. (2019). "The influence of country-level religiosity on accounting conservatism". **Journal of International Accounting Research**, Vol. 18, Issue. 1, 1-26.
28. Cano, Manuel and Moreno, Alonso. (2020). "**Religion and the Readability of Textual Financial Disclosures**". Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3619116> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3619116>.
29. Cordery, Carolyn. (2015). "Accounting history and religion: A review of studies and a research agenda". **Accounting History**. Vol 20, Issue 4.
30. Czerny, Małgorzata. (2018). "The influence of religious principles on the formation of the accounting system", **Annales Ethics in Economic Life**, Vol. 21, No. 8, 31-45.
31. Oyedokun, Godwin Emmanuel. (2016). "Accounting and the Influence of numbers, Economics, Religion and History", **Electronic Journal**, No, 7.
32. Spellman White, Lynn. (2004). "The Influence of Religion on the Globalization of Accounting Standards". **Paper presented at the 2004 Christian Business Faculty Association Conference organized by Abilene Christian University**, San Antonio, TX.



Accounting as Religion

Ghodratolah Taleb Nia (PhD)¹

Associate Professor, Department of Accounting, Islamic Azad University, Tehran Research Sciences Branch, Tehran, Iran

Payam Noori Doabi²©

PhD student in Accounting, University of Science and Research, Tehran, Iran

(Received: 15 November 2021; Accepted: 21 February 2022)

Religion and faith have always supported morality, honesty, justice, responsibility and accountability in all societies and nations of the world, and have determined and explained the ideology, worldview, actions and behavior of human beings at all levels and patterns of life. Necessity and purpose of life and human need for excellence and achievement of human development and self-have led to religion as one of the most important cultural pillars and lifestyle, determining the laws, principles, frameworks and policies of human beings in various economic fields, be social and political. In this regard, accounting as a knowledge of this field, which is influenced by the environment and culture, has not been much considered by researchers. Therefore, this article aims to identify and understand the philosophy and nature of accounting using a descriptive approach and based on the citation method and library, and by looking at religion and its position, explains accounting as a religion; And shows that accounting originates from the source of religious beliefs and the worldview of material and spiritual; Until, as a profession with a ritual of professional behavior, based on values and beliefs and with the aim of serving and responding to society in the direction of God-given blessings and power of thought and will, authority by recording and documenting actions and events to help It has emerged with the right choice and decision of man.

Keywords: Accounting, Religion, Accounting of Religion.

¹ gh_talebniya@yahoo.com

² payam.noori59@yahoo.com ©(Corresponding Author)